



تأملی درباره نحوست ایام

در اسلام سعد و نحس بعضی ایام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن درس‌ها و عبرت‌ها گرفته و برای دفع شومی آن از قهر و غضب الهی به خداوند رحمان و رحیم پناه آورند.

در اسلام سعد و نحس بعضی ایام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن درس‌ها و عبرت‌ها گرفته و برای دفع شومی آن از قهر و غضب الهی به خداوند رحمان و رحیم پناه آورند.

به گزارش خبرگزاری رسا، زمان به عنوان گذر حوادث و ظرف، تأثیری در سعادت یا نحوست ندارد اما به لحاظ اتفاقاتی که در برخی از ایام می‌افتد آن روز نحس یا روز مبارک خوانده می‌شود. مبارکی و حتی شومی ایام با این نگاه به اهمیت آن اتفاق وابسته است. در قرآن کریم از زمان‌هایی مانند ليله القدر که زمان نزول برکات و رحمت الهی است به عنوان «لیله المبارکه» و از زمان‌های دیگر که بر قوم یا اقوامی عذاب نازل شده به عنوان «ایام نحس» نام برده شده است. این ادبیات در میان روایات اهل بیت علیهم السلام هم مشاهده می‌شود. البته تاریخ شاهد دگرگون ساختن شومی و مبارکی ایام به دست دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام است که «یوم تبرکت به بنو امیه و ابن اکله الاکباد اللعین بن اللعین» گواه آن است.

با این وصف، در اسلام سعد و نحس بعضی ایام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن درس‌ها و عبرت‌ها گرفته و برای دفع شومی آن از قهر و غضب الهی به خداوند رحمان و رحیم پناه آورند و با تأمل و تدبیر در کردار خود از مجازات و مکافات اعمال خویش غافل نباشند.

البته پذیرش این نکته بدان معنا نیست که انسان به هر کاری می‌خواهد دست بزند، به سراغ سعد و نحس ایام برود و عملاً از کارها باز بماند! افراط در سعد و نحس ایام و دخیل دانستن ایام در توفیق و عدم توفیق خود، نه مورد تأیید عقل است و نه مورد تأیید شرع و چه بسا نوعی شرک بحساب آید.

در نوشتار پیش رو که با همکاری پژوهشگر ارجمند جناب آقای جواد دلاوری فراهم شده؛ برآنیم تا نحوست ایام را از منظر آیات و روایات بررسی کنیم و در ضمن فرض مشهور «نحوست ماه صفر» را در ترازوی نقد بگذاریم.

نحوست ایام در قرآن

«سعد» به معنای فراهم شدن امور و مقدمات الهی برای رسیدن به خیر دنیوی و اخروی است. و «نحس» در لغت به معنای سرخ شدن افق همچون مس گداخته است و در اصطلاح به هر چیز شوم و نحس گفته می‌شود. فراهم نشدن مقدمات و امور کارها نیز نحس تلقی می‌شود. حال به تبیین این بحث از نگاه آیات، روایات و بیان و نگاه علما خواهیم پرداخت.

در آیات قرآن تنها در 2 مورد به «نحوست ایام» اشاره شده است؛ چنان‌که برخی ایام را نیز مبارک می‌داند:

1. «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ»، ما تند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم.
2. «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ»، سرانجام تندبادی شدید و هول‌انگیز و سرد و سخت در روزهای شوم و پرغبار بر آنان فرستادیم.

این دو آیه مربوط به سرگذشت قوم عاد است، بر اساس این آیات، شومی، مربوط به روزی است که، عذاب بر قوم عاد نازل شد.

البته برخی از مفسران، «نحسات» را سردی شدید هوا دانسته‌اند.

فخر رازی، در تفسیر آیه 16 سوره فصلت می‌نویسد: «از اهل علم نجوم، آنان که به احکام نجومی قائل هستند، برای ثبوت سعد و نحس بودن ایام، به این آیه شریفه استدلال کرده، گفته‌اند: این آیه بر چنین معنایی صراحت دارد؛ اما متکلمان در ردّ این نظریه گفته‌اند که منظور از «ایام نحسات» که در آیه شریفه آمده، روزهایی است که در آن چنان گرد و غبار فضا را پر می‌کند که امکان دیدن و انجام هر گونه کار را سلب می‌کند و منظور از نحس بودن این ایام، این است که خداوند در آن ایام، قوم عاد را هلاک کرد».

در نقطه مقابل، تعبیر «مبارک» نیز در بعضی از آیات قرآن دیده می‌شود، چنان که درباره شب قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم».

نحوست ایام در روایات

روایات قابل توجهی درباره سعد و نحس ایام هفته و ایام ماه‌های عربی، فارسی و رومی، در کتاب‌های روایی از جمله - بحارالانوار- ذکر شده است که بخش قابل توجهی از آن مرسله اند و قابل اعتنا نیستند. اما گذشته از بحث سندی این روایات چند دسته اند: دسته اول: روایاتی که بر نحوست دلالت دارند اما دلالت ذاتی بر نحس بودن ایام ندارند.

از امیرمؤمنان علیهم السلام درباره سنگینی روز «چهارشنبه» و فال بدی که به آن می‌زنند؛ سؤال شد، حضرت فرمودند: «چهارشنبه آخر ماه است که در محاق اتفاق افتد و در همین روز «قایل» برادرش «هابیل» را کشت... و خداوند در این روز چهارشنبه تند باد را بر قوم عاد فرستاد».

بر این اساس برخی از مفسران به پیروی از روایات، آخرین چهارشنبه هر ماه را روز نحس می‌دانند و از آن به «اربعاء لاتدور» تعبیر می‌کنند، یعنی چهارشنبه‌ای که تکرار نمی‌شود.

در بعضی دیگر از روایات می‌خوانیم که روز اول ماه روز سعد و مبارکی است، چرا که آدم در آن آفریده شد و همچنین روز 26 چرا که خداوند دریا را برای موسی شکافت.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره نوروز نقل شده «روز مبارکی است که کشتی نوح بر جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر اسلام نازل شد و روزی است که علی علیه السلام بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، بت‌های کعبه را شکست و داستان غدیر خم مصادف با نوروز بود.»
دسته دوم: روایاتی که برای دفع نحوست، اعمالی را مانند صدقه، روزه و... سفارش کرده اند.

«سهل بن یعقوب ملقب به ابی نواس، از امام عسکری علیه‌السلام نقل کرده که در ضمن حدیثی گفته است: من به آن حضرت عرضه داشتم: ای سید من! در بیشتر این ایام به خاطر آن نحوستها که دارند، و برای دفع وحشتی که انسان از این روزها دارد، و این نحوست و وحشت نمی‌گذارد انسان به مقاصد خود برسد، چه کند؟ لطفاً مرا به چیزی که رفع این نگرانی کند دلالت بفرما، برای اینکه... وحشت از نحوست، دست و پا گیر آدم است، چه باید کرد؟ حضرت به من فرمود: ای سهل! شیعیان ما همان ولایتی که از ما در دل دارند حرز و حصنشان است، آنها اگر در لجه دریاها بی‌کران و یا وسط بیابانهای بی‌سر و ته و یا در بین درندگان و گرگان و دشمنان جنی و انسی قرار گیرند از خطر آنها ایمنند، به خاطر اینکه ولایت ما را در دل دارند، پس بر تو باد که به خدای عز و جل اعتماد کنی و ولایت خود را نسبت به امامان طاهرینت خالص گردانی، آن وقت هر جا که خواستی برو، و هر چه خواستی بکن.»

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: «کسی که اول صبح صدقه دهد، خداوند نحوست در آن روز را از او دفع سازد».

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: «اگر روز چهارشنبه سفر می‌کنی، صدقه بده و آیت الکرسی بخوان».

دسته سوم: روایاتی که نحوست ایام را رد می‌کنند که تعدادشان هم قابل توجه است.

حضرت علی علیه السلام عازم جنگ با خوارج بود، که شخصی عرض کرد: یا علی، می‌ترسم اگر اکنون عازم شوی به پیروزی دست نیابی. من این را از طریق علم نجوم، دریافته‌ام. آن حضرت فرمود: «آیا تو گمان می‌کنی ساعتی را نشان می‌دهی که هر که در آن سفر کند، بلا و بدی از او دور گردد؟ و بر حذر می‌داری از ساعتی که هر که در آن روانه شود، زیان و سختی او را فرا گیرد؟ کسی که این سخنان تو را باور کند، قرآن را دروغ پنداشته و برای به دست آوردن آن چه دوست دارد، و دوری از ناپسندی‌ها، از یاری خدا بی‌نیاز گردیده است. هر که به گفتار و فرمانت رفتار نماید، باید تو را حمد و سپاس گزارد، نه پروردگارش را؛ زیرا تو گمان داری که او را به ساعتی راهنمایی کرده‌ای که در آن سود به دست آورد و از زیان ایمن گشته است».

به شهادت تاریخ، آن حضرت بر خلاف توصیه آن مرد، به سوی خوارج روان گشت و در جنگ با آنان نیز ظفرمند گردید.

عبدالملك بن اعين از منجمان عصر امام صادق برادر زرارۀ بن اعين روزی محضر حضرت امام صادق عليه السلام عرض کرد: یا بن رسول الله! من گرفتار علم نجوم شده ام و این نجوم در من وسواسی ایجاد کرده. حضرت با کمال تعجب فرمودند: تو به این چیزها عمل و اعتنا می‌کنی؟! گفت: بله یابن رسول الله! حضرت امر فرمودند: همین الان به خانه ات برگرد و تمام نوشته هایت در این باره را به آتش بزن که او چنین کرد.

حسین بن مسعود می گوید: روزی خواستم به حضور ابی الحسن امام هادی عليه السلام شرفیاب شوم، در آن روز هم انگشتم به سنگ خورد، و هم سواره‌ای به سرعت از من گذشت، و به شانه ام زد و شانه ام صدمه دید، و هم اینکه وقتی می‌خواستم وارد شوم از بس شلوغ بود لباسم را پاره کردند، با خود گفتم: خدا مرا از شَرِّ حفظ کند چه روز شومی هستی، و چون شرفیاب شدم حضرت فرمود: ای حسن این چه پنداری است؟ تو که همواره اطراف ما هستی نباید گناهت را گردن کسی که بی گناه است بیندازی. ابن مسعود می گوید با این گفتار امام عليه السلام عقل من بیدار شد سپس محضرشان عرضه داشتم: ای مولای من، از خدا برایم طلب مغفرت کن، فرمود: ای حسن روزها چه گناهی دارند که شما هر وقت به کیفر اعمالتان می‌رسید آن را به گردن روز می‌اندازید و آن روز را شوم می‌خوانید؟ عرضه داشتم: یابن رسول الله! من به نوبه خود از این گناه و خطا برای ابد استغفار می‌کنم. حضرت فرمودند: این تنها کافی نیست که شما از تفال به ایام دست بردارید و سودی به حالتان ندارد، چون خدا شما را از این جهت عقاب می‌کند که ایام را به جرمی مذمت کنید که مرتکب نشده اند، ای حسین! هیچ می‌دانی که ثواب و عقاب در دست خداست و اوست که بعضی از کارها را در همین دنیا ثواب و عقاب می‌دهد و ثواب و عقاب بعضی دیگر از اعمال را در آخرت می‌دهد؟ عرضه داشتم: بله ای مولای من، فرمود: هیچ وقت تندروی نکنید، و برای ایام هیچ دخالتی در حکم خدای تعالی قائل مشوید، عرضه داشتم: بله ای مولای من.

دسته سوم: روایاتی که روزهایی از هفته را سعد و مبارک می‌داند که به طور عمده علت سعادت آن ایام و مبارک بودنش را وقوع حوادثی مبارک در آن روزها دانسته است؛ حوادثی که از نظر دین، بسیار مهم و عظیم بوده است؛ مانند ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعثت ایشان.

نحوست ایام در کلام علامه طباطبایی

مرحوم آیت الله علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، درباره سعد و نحس ایام، این گونه می‌فرماید:

«نحس بودن روز یا مقداری از زمان، به این معنا است که در آن زمان، جز شرّ و بدی، حادثه‌ای روی ندهد و اعمال آدمی، یا دست کم نوع خاصی از اعمال، برای صاحب آن، برکت و نتیجه خوبی نداشته باشد. سعد بودن روز، درست برخلاف این است. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم بر سعادت روزی از روزها یا زمانی از زمان‌ها یا نحوست آن، برهان اقامه کنیم؛ زیرا طبیعت زمان از نظر مقدار به گونه‌ای است که اجزای آن مثل هم است و یک چیز به شمار می‌آید.

بنابراین با نگاه به خود زمان، فرقی میان این روز و آن روز نیست تا یکی را سعد و دیگری را نحس بدانیم؛ ولیکن علل و عواملی که در حوادث مؤثرند و در به ثمر رساندن اعمال تأثیر دارند، از حیطة علم و آگاهی ما خارجند و ما نمی‌توانیم قطعات زمان را با عواملی که در آن زمان دست به کارند، بسنجیم تا بفهمیم آن عوامل در این قطعه از زمان چه عملکردی دارند و عملکرد آنها به گونه‌ای است که این قسمت از زمان را سعد یا نحس می‌کند، یا نه؟

تجربه نیز در این مسأله، راهگشا نیست؛ زیرا تجربه هنگامی مفید است که ما زمان را به صورت جدا از عوامل در اختیار داشته باشیم و با هر عاملی هم آن را سنجیده باشیم تا بدانیم که فلان اثر، اثر فلان عامل است؛ در حالی که ما زمان را جدا از عوامل نداریم و عوامل هم برای ما شناخته شده نیست. درست به همین علت است که ما راهی برای انکار سعادت یا نحوست ایام نداریم و نمی‌توانیم بر نبودن چنین واقعیتی برهان اقامه کنیم. همان گونه که نمی‌توانیم برای اثبات آن هم برهان بیاوریم. آری، وجود چنین چیزی، یعنی سعد یا نحس بودن ایام، بعید است؛ ولی بعید بودن چیزی، غیر از محال بودن آن است.»

علامه سید محمدحسین طباطبایی در ذیل آیه 19-20 قمر می‌فرماید: «از نظر عقلی نمی‌توان دلیلی اقامه کرد که فلان زمان نحس است و فلان وقت سعد، چون اجزای زمان مثل هم هستند و ما هم که بر علل و اسباب مؤثر در حوادث احاطه علمی نداریم تا بگوییم فلان قطعه از زمان نحس است و قطعه دیگر سعد، اما از نظر شرعی دو آیه در قرآن داریم که ظاهر این آیات و سیاق آن‌ها بیش از این دلالت ندارد و آن ایام خاص (7 شبانه روز) که عذاب بر قوم ثمود ارسال شد، روزهای نحسی بوده‌اند، ولی دیگر نمی‌رساند که حتی همان روزها در هفته بعد و در ماه بعد و ... ایام نحس هستند.

چون اگر تمام آن ایام نحس باشند در تمام سال، لازمه‌اش این است که تمام زمان‌ها نحس باشند و همچنین ظاهر آیاتی که دلالت بر سعد بودن ایام دارد به خاطر همراهی آن ایام با امور بزرگ و افاضات الهی و کارهای معنوی است، مثل امضا تقدیر است، نزول ملائکه و روح، انجام عبادات... و اخبار هم نتیجه‌اش این است که نحس بودن ایام به خاطر کارهای زشتی است که در آن واقع شده است و سعد بودن ایام به خاطر کارهای نیک دینی و یا عرفی است، اما اینکه قطعه‌ای از زمان خاصیت تکوینی سعد و نحس داشته باشد، قابل اثبات

نحوست ایام در کلام آیت الله شهید مطهری

شهید مطهری با دقت همیشگی خود در مسایل علمی، ضمن روشننگری این مطلب، ذاتی بودن نحوست ایام را رد کرده و شوم بودن را منتسب به اتفاقات شوم می‌داند، نه خود آن ایام، ایشان می‌آورند که:

«در موضوع نحوست ایام دو مسئله است. یک مسئله اینکه، ما برخی روزهای سال را مبارک می‌شمایم و برخی را نحس و شوم، به اعتبار حادثه‌ای که در آن روز واقع شده؛ و مقصود ما این نیست که این روز از آن جهت که این روز است مبارک است یا این روز از آن جهت که این روز است شوم است، ... مثلاً ما روز عید غدیر را روز مبارک می‌دانیم ولی نه به اعتبار اینکه هجدهم ذی‌الحجه [است] ... یا [چنین نیست که] دهم محرم روزی بوده که از اولی که عالم ساخته شده اصلاً این روز، بد ساخته شده، شوم ساخته شده و حادثه کربلا در روزی واقع شد که بالذات شوم بود... حادثه کربلا هم در یک روز شوم واقع شد. یک وقت انسان این طور فکر می‌کند. این [طرز فکر] اساسی نمی‌تواند داشته باشد. ... دهم محرم شومی خودش را (نه اینکه بالذات شوم است) از شهادت امام حسین علیه السلام دارد نه کشته شدن و قتل امام حسین علیه السلام شومی خودش را از دهم محرم دارد...»

نتیجه بررسی

اگر آیات و روایات هر دو طائفه را بنگریم؛ به این نتیجه و جمع بندی می‌رسیم که مبارکی و نحوست ایام تابع حوادث آن است و هیچ یک از زمان ها ذاتا مبارک یا شوم نیستند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی از مراجع معظم تقلید نیز در تفسیر نمونه می‌گویند: «از نظر عقل محال نیست که اجزا زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگی‌های نحوست و بعضی ویژگی‌های ضد آن هر چند عقلاً قابل اثبات نیست، ولی از نظر شرعی اگر دلیلی باشد قابل پذیرش است و مانعی برای آن نیست.

بعد ایشان در تفسیر نمونه روایات را مورد بررسی قرار می‌دهد و بهترین راه جمع را میان اخبار مختلف در این باب این می‌داند که اگر روزها هم تأثیری داشته باشند به فرمان خداوند است، هرگز نباید برای آن‌ها تأثیر مستقلاً قائل شد و از لطف خداوند خود را بی‌نیاز دانست. وانگهی نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان را دارند، به تأثیر ایام ارتباط داد و خود را تبرئه کرد.

نحوست ماه صفر در ترازوی نقد

تحقیقات گسترده ای درباره نحوست ما صفر انجام شد که برای نحس بودن ماه صفر هیچ سندی معتبری وجود ندارد اما در عین حال این ماه به نحوست معروف شده است.

افرادی که به شهرت نحوست صفر بسنده کرده اند نوشته اند: «شاید این نحوست به دلیل مصیبت هایی که در این ماه بر امت اسلام وارد شده است؛ باشد و شاید این فرمایش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که فرموده اند: «کسی که مرا به تمام شدن ماه صفر مژده بدهد، او را به بهشت بشارت می‌دهم». به خاطر مصیبت های این ماه بر امت اسلام باشد.

این بزرگان در ادامه نوشته اند برای رفع نحوست هیچ چیز بهتر از تصدق و ادعیه و استعاذات وارده نیست و اگر کسی خواهد که محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه در هر روز ده مرتبه بخواند چنانکه محدث فیض و غیره فرموده: «يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ يَا شَدِيدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلْتُ عِظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَكَفَنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ تَجِئْتَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ».

روایت یاد شده را مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان و مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب المراقبات بیان کرده اند که البته سندی برای آن ذکر نکرده اند. که پس از تحقیقات این سخن مشهور در جلد سوم از کتاب تفسیر روح البیان یافت شد که البته ایشان نیز به شهرت این سخن بسنده کرده و سندی ذکر نکرده اند و گفته اند «جمهور بر این باورند که ماه صفر نحس است...»

بنابراین، انتساب بشارت خروج از ماه صفر به پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بی اساس است.

البته شهرت ماه صفر در نزد مسلمانان به نحوست به دلیل واقع شدن بزرگترین مصیبت یعنی رحلت پیامبر صلی الله و علیه و آله بر بشر در این ماه و حوادث دیگری مانند شهادت امام رضا و امام حسن علیهماالسلام و وقوع جنگ صفین همراه با شهادت زیادی از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام است. اما به یقین این ماه به خودی خود نحوست ندارد.

گروهی برای اثبات این سخن روی به حدیث مشابهی از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله و علیه و آله آورده اند که آن حضرت فرموده اند:

«فَمَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ آذَارِ فَلَهُ الْجَنَّةُ» و کوشیده اند تا همزمانی ماه آذار و صفر را دلیل این نقل یاد کنند. اما با اندک تأمل بی اساسی این سخن نیز روشن می شود.

بررسی روایت (فَمَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ آذَارِ فَلَهُ الْجَنَّةُ):

مرحوم شیخ صدوق در کتاب ارزشمند علل الشرایع این حدیث را به صورت مستند از ابن عباس به این شرح بیان کرده اند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْتَانِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِدْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامٍ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّقَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَسْجِدٍ قَبَا وَ عِنْدَهُ نَقَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْكُمْ السَّاعَةَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلَمَّا سَمِعُوا ذَلِكَ قَامَ نَقَرٌ مِنْهُمْ فَحَرَّجُوا وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ يُحِبُّ أَنْ يَعُودَ لِيَكُونَ هُوَ أَوَّلُ دَاخِلٍ فَيَسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ فَعَلِمَ النَّبِيُّ ص ذَلِكَ مِنْهُمْ فَقَالَ لِمَنْ بَقِيَ عِنْدَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ سَيَدْخُلُ عَلَيْكُمْ جَمَاعَةٌ يَسْتَبِقُونَ فَمَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ آذَارِ فَلَهُ الْجَنَّةُ فَعَادَ الْقَوْمُ وَ دَخَلُوا وَ مَعَهُمْ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ لَهُمْ فِي أَيِّ شَهْرٍ نَحْنُ مِنَ الشُّهُورِ الرُّومِيَّةِ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ قَدْ حَرَّجَ آذَارٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ص قَدْ عَلِمْتُ ذَلِكَ يَا أَبَا ذَرٍّ وَ لَكِنْ أَحْبَبْتُ أَنْ يَعْلَمَ قَوْمِي أَنَّكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَ أَنْتَ الْمَطْرُودُ مِنْ حَرَمِي بَعْدَ لِمَحَبَّتِكَ لِأَهْلِ بَيْتِي فَتَعِيشَ وَحْدَكَ وَ تَمُوتَ وَحْدَكَ وَ يَسْعُدُ بِكَ قَوْمٌ يَتَوَلَّوْنَ تَجْهِيْرَكَ وَ دَفَنَكَ أَوْلَيْكَ رُقُقَائِي فِي الْجَنَّةِ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ.

مضمون حدیث

روزی پیامبر بزرگوار اسلام در مسجد قبا در جمع گروهی از اصحابشان فرمودند: «اولین کسی که هم اکنون وارد مسجد شود، مردی از اهل بهشت است، برخی از اصحاب با شنیدن این سخن از مسجد خارج شدند تا سپس بازگردند و مصداق سخن شوند، پیامبر نیز که این را فهمیدند، شرط دیگری بر آن اضافه کردند (آن عده از اصحاب خارج شده و آن شرط را نشنیدند) و فرمودند: کسی که مرا به خروج ماه آذار بشارت دهد او مردی از اهل بهشت است! جماعتی داخل شدند و ابوذر رحمة الله علیه هم میان آنان بود، پیامبر به آنان فرمودند الآن در کدام ماه رومی هستیم؟ ابوذر فرمود: ای رسول خدا ماه آذار تمام شد!! پیامبر فرمودند: ای ابوذر خودم این را می دانستم اما دوست داشتم که این قوم بدانند که تو مردی از اهل بهشت هستی و چگونه این چنین نباشی در حالی که بعد از من تو را از این شهر تبعید خواهند کرد چرا که تو دوست دار اهل بیت من هستی و به تنهایی زندگی خواهی کرد و تنها هم خواهی مرد و جماعتی کفن و دفن تو را انجام خواهند داد که آنان رفیقان من در بهشت خواهند بود، بهشتی که به متقین وعده داده شده!

بررسی روایت

1. علمای شیعه این حدیث را قبول دارند و این حدیث از نظر سند مشکل ندارد.
 2. در این حدیث هیچ اشاره‌ای به ماه صفر نشده بلکه در تمام احادیث مشابه فقط ماه آذار آمده که این ماه از ماه‌های رومی است و با ماه‌های قمری سنخیت زمانی ندارد. که آن هم نشانه ای برای اهل نجات بودن حضرت اباذر غفاری رحمه الله علیه است.
 3. این که گروهی گفته اند ماه آذار با ماه صفر همزمان بوده و پیامبر اعظم قصد داشتند خروج ماه صفر را یادآور شوند مردود است چرا که اگر حضرت این مقصود را داشتند چرا از ماه رومی نام بردند.
 4. در حدیث یاد شده، بشارت به خروج ماه موضوعیت ندارد! بلکه تأکیدی بر فضائل شیعیان اهل بیت علیهم السلام است که اتفاقاً درمورد تصریح متن حدیث نیز است که حضرت فرموده‌اند: که ای ابوذر هدف من از این پرسش فقط این بود که مردم بدانند که تو اهل بهشت هستی... چرا که تو از دوستداران اهل بیت من هستی !!
- از آنجا که این حدیث، شامل فضائل اهل بیت و شیعیان اهل بیت علیهم السلام است، بدخواهان اهل بیت علیهم السلام طبق معمول دست به شیطنت زده و دو اقدام انجام داده اند.

1. برخی با آن به مخالفت پرداخته‌اند و گفته‌اند: «لا اصل له !!!» تا ناچار به توجیه رفتار خلیفه سوم با آن بزرگوار نباشند.

و یذکر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "من بشرني بخروج أذار بشرته بالجنة" قال أحمد بن حنبل: لا أصل لهذا.

احمد بن حنبل این حدیث را جزء چهار حدیثی می‌داند که در بین مردم شائع هستند، اما سند ندارند!

2. برخی دیگر به داستان سرایی دست زده و به جای «آذار» کلمه «صفر» را جا زده اند و به استناد حوادث این ماه سخن «من بشرنی

بخروج صفر بشرته بالجنه» را ترویج کرده اند.

جمع بندی

از مجموع آنچه گفته شد به این جمع بندی می‌رسیم:

1. در منابع فریقین، هیچ سندی برای سخن «بشارت به خروج از ماه صفر» نقل نشده است و این سخن صرفاً یک کلام مشهور است که قابل اعتماد نیست.

2. در منابع فریقین هیچ سخنی درباره مژده بهشت دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی که بشارت ماه ربیع را بدهد وجود ندارد.

3. مبارکی و شومی زمان‌ها تابع رویدادها و حوادث تلخ و شیرین هستند و عقل نیز این معنا را تأیید می‌کند در میان آیات و روایات نیز با این ادبیات مواجه هستیم. چنان‌که در بعضی روایات دیگر می‌خوانیم که روز سوّم ماه روز نحسی است، چرا که آدم و حوا در آن روز از بهشت رانده شدند و لباس بهشتی از تن آن‌ها کنده شد. و یا اینکه روز هفتم ماه روز مبارکی است، چرا که حضرت نوح سوار بر کشتی شد.

4. حوادث و رویدادها نتیجه اعمال خود انسان هستند و البته دعا و صدقه و اعمال نیک بسیاری از بلاها را دفع می‌کند از این رو به بسم الله گفتن، صدقه دادن و اعمال خیر در آغاز هر کار بزرگ از جمله مسافرت‌ها سفارش شده است.

5. توجه دادن به سرگذشت‌های پیشینیان که دچار عذاب شده‌اند و با اعمال خود نعمت و برکت را به نحوست و نعمت تبدیل کرده‌اند برای آن است که رفتار و اعمال خود را بر حوادث تاریخی سازنده تطبیق دهیم و از حوادث مخرب و روش بنیان‌گذاران آن‌ها فاصله بگیریم و همواره برای جلب رحمت الهی و دفع بلاها و گرفتاری‌ها از نافرمانی فاصله گرفته و با اعمال نیک، استغفار، دعا، صدقه و... خود را بیمه کنیم.

6. روزهایی از سال بر دست کشیدن از کسب و کار سفارش شده است که دو مقصود عقلایی برای آن وجود دارد مانند روز عاشورا که بنی‌امیه به گمان پیروزی (ظاهری) بر اهل بیت آن روز را مسعود و مبارکی می‌شمرد و در روایات شدیداً تبرک به آن روز نهی شده و حتی دستور داده‌اند که آن روز را روز ذخیره آذوقه سال و مانند آن قرار ندهند، بلکه کسب و کار را در آن روز تعطیل کنند و نیز در این روز به اقامه عزاء برای سید و سالار شهیدان بپردازند.

برای تنظیم نوشتار پیش رو از منابع زیر بهره گرفتیم.

1. ترجمه المیزان، علامه طباطبائی، ج 19، ذیل آیه 19 سوره قمر
 2. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی
 3. ترجمه تفسیر صافی، ج دوم، ذیل آیه 19 سوره قمر.
 4. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج 20-23-37-47
 5. سایت مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی
 6. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، اعمال ماه صفر
 7. المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی
 8. اقبال الاعمال، سید بن طاووس
 9. سایت انجمن گفتگوی دینی
 10. سایت پرسمان دانشجویی/978/د101/س
- منبع: پایگاه اطلاع رسانی رادیو معارف